

برگردان وگزینش از: دکترنجیب الله مسیر

# ایدیالوژی و سیاست

1

باورهای جمعی وایدیالوژی

کنش های سیاسی چهره ها وسازمانها، بر مبنای جمعی ازباورها ی پیرامون هستی اجتماعی صورت میگیرد. جامعه ونهاد های گوناگون سیاسی از موضوع (چشم انداز) دوکردار (کارنامه) بررسی میگردد:

1. سمت دهی و رهنمودی،

2. توجه گیری و انگیزه بخشی؛

کنش آنهايیکه شامل سیستم سیاسی مورد نظرمیباشند ( نخبگان همسو، نخبگان مخالف و توده ها ).



مواضع یادشده ممکن کم و بیش آشکاروگونه گونه باشد؛ ولی این مواضع همیشه وجود میداشته باشند وسمت کنش اعضای سیستم سیاسی را تعیین مینمایند. بدون چارچوب های یادشده، کنش سیاسی کورکورانه ونامنظم بوده وحتى برای آنهاي که آنرا متحقق میسازند از توهمی بیش نمی باشد ( یا یک مفهوم میان تهی ) میباشد. توضیحات مشابه وچوکات های که کنش سیاسی راتبرئه میکنند بنام ایدیالوژی (هرازگاهی هم بنام دوکتورین) یاد میگردد. حالا می بینیم که این گفته چه معنی دارد.

پیش از همه بایدگفت که ایدیالوژی های سیاسی تیپ جدیدی ازباورها اند. از همین خاطر تحلیل خود را درمجموع از مشخصات باورها آغاز میکنیم. باوریه چیزی ( امری) داشتن به این مفهوم است که این امر بخشی از هستی ما است واز همین لحاظ باید آنرا درکنش های خود در نظر بگیریم. باورهای ما، مارا مجبور میسازند که به جهان به گونه خاصی نگاه کنیم وبالای کنش ما تاثیر فیصله کن میگذارد.

مابراساس باورهای خود به کنش خود سمت و سو میدهم. قابل درک است که باورها درارتباط تنکاتنگ باتجارب واقعی حیات اجتماعی افراد وگروه ها شکل میگیرد. این گفته به ویژه درمورد باورهای سیاسی صدق میکند. بخش بیشترباورها بدون ارایه استدلال وموارد اثباتی پذیرفته میشود وبدون کدام تحلیلی، عادلانه پنداشته میشود. این امر به ویژه پیامد این است که بیشترین این باورها غیرآگاهانه درخانواده، مکتب وازراه وسایل ارتباط جمعی گرفته میشود. باوربه گونهء غیرقانونمند پذیرفته میشود وبخاطری ذهن نشین میگردد که با منافع افراد وگروه های که به آن باورپیدا میکنند سرمیخورد (کناره نشینی دارند). به گفته ی دیگر باوجود اینکه درزمینه استدلال وثبوتی وجود ندارد ولی موتیف (انگیزه ومشوق) وجود دارد که پذیرش باورها را تبرئه یا پسند میکند واین موتیف ها با منافع واقعی و مشخص ارتباط محکم دارد.

تفاوت باورها با تئوری علمی درین است که برای پذیرش تئوری علمی استدلال عینی وجود دارد وبه گونه سیستماتیک ازدرون تحت کنترل قرارمیگیرد. عادلانه بودن باورها کنترل نمی شود به استثنای حالاتی که این باورها دچاربحران میشوند یا زمانیکه دررابطه به آنها شک پیدا میشود.

باورهای کولکتیوی یا گروهی که باورهای طبقاتی وجمعی می باشند، بر زندگی اجتماعی دوره معین تاریخی تاثیرمستقیم دارند. این بدان معنی میباشد که توده های وسیع که بدور "کاست"، اقشاروطبقات جمع شده اند میتوانند مشترکا به توضیحی یکسان واقعبینی که برای همه آنها مشترک است، دست یابند.

**این باورهای جمعی که بامنافع اعضای این گروه ارتباط تنکاتنگ دارندو کردار انها را درحیات اجتماعی - اقتصادی سمت میدهند وتوجیه مینمایند، بنام ایدئولوژی یاد میشود.**

درسیستم های سیاسی ایدئولوژی نقش تعیین کننده دارد، زیرا ایدئولوژی توسط نخبگان، نخبگان مخالف وتوده ها برای افاده منافع جمعی شان بکارگرفته میشود. روشن است که محتوی ایدئولوژی گروه های گوناگونی که شامل ترکیب سیستم های سیاسی میباشد، ازهم کاملا متفاوت میباشد، بهرحال نخبگان میخواهند که تسلط ایدئولوژیک هم داشته باشند.

چنین سلطه ی برای نخبگان بسیارمهم است زیرا ازین طریق نخبگان مشروعیت حاکمیت خود را درچارچوب سیستم سیاسی تامین میکنند وتلاش میورزند که ستمدیدگان یا تحت ستم قراریافتگان؛ باموقف ووضع خود بسازند وآشتی کنند وآنها بپذیرند. ازهمین لحاظ درسیستم های مختلف سیاسی نخبگان، ایجاد وگسترش ایدئولوژی ایرا که منافع آنها وازآنهایی را که نمایندگی میکنند؛ افاده میکند، تشویق مینمایند.

همزمان با این نخبگان تلاش می‌ورزند که ایدئولوژی‌های رقیبی را که نخبگان مخالف و نمایندگان توده‌ها ایجاد میکنند، بدنام بسازند. از همین لحاظ ایدئولوژی درسیستم‌های سیاسی چیزی "بی‌ضرری" نیست. دریا لا تذکر داده شد که زمانیکه مشروعیت ایدئولوژیکی نخبگان رد میشود، آنها مجبور میشوند به شکل سیستماتیک از خشونت و اجبار فیزیکی کار بگیرند که این امر به نوبه خود بیشتر از اعتبار آنها در برابر چشمان مردم و جامعه می‌کاهد.

## 2. کارنامه ایدئولوژی‌های سیاسی

پیشتر گفته شد که ایدئولوژی سیاسی کردار دوگانه دارد، یکی کار توجیه یا سمت دهی و دیگری برائت دادن کارکردهای آنها که شامل سیستم مورد نظر می‌باشد. اما برای این منظور باید تصویری کاملی را از سیستم سیاسی ارایه کنند. خطوط اساسی آنرا آشکار سازند، روند کارکرد آنرا و ممکن‌گرایش توسعه آنرا توضیح بدهند. به عبارت دیگر هدف آموزشی ایدئولوژی‌های سیاسی در حدی تثبیت شخصیت (معرفی یا ارایه کرکترستیک) هستی سیاسی مورد نظر می‌باشد. و ادعای انعکاس آنرا بطوری که هست دارد.

درین رابطه ایدئولوژی‌های سیاسی شباهت معینی با تئوری‌های علمی داشته و حتی میتوانند بالای علم اتکا کنند. ایدئولوژی‌ها خود را توضیح هستی سیاسی می‌گویند که روی پیش زمینه‌های عینی و اهمیت میان سوژکتی استواراند. در برخی حالات ایدئولوژی‌های سیاسی خود را "علمی" هم می‌گویند. اما چون یکی از کارنامه‌های اساسی ایدئولوژی برائت خط معینی کردار سیاسی می‌باشد، "اگرومنت‌های" "دلایلی" ایدئولوژی اگر دقیق افاده شده باشد، با اراده سیاسی پیروان آن ارتباط نزدیک دارد. از همین لحاظ است که توضیح ایدئولوژیک کارنامه‌های سیاسی به انحراف گرایش دارد تا ازین راه بتواند کنش‌های مدافعان ایدئولوژی را برائت بدهد.

محتوی عینی ایدئولوژی، مضمون (تحت) کنترل قرار نمی‌گیرد؛ ایدئولوژی‌ها به گونه سیستماتیک با واقعیت (ریال) مقایسه نمی‌شوند و واقعیتهای که ایدئولوژی انعکاس آن می‌باشد.

برعکس ایدئولوژی‌ها به جای اینکه با واقعیت سازگار شوند و آنرا همان طوری که هست انعکاس بدهند، هستی را

با در نظر داشت منافع پیروان ایدئولوژی توضیح میدهند.

پیامد چنین توضیح تصویر منقلب هستی سیاسی می‌باشد که برای پیروان ایدئولوژی مشخص سود آور می‌باشد. از آنچه که گفته

آمد برمی‌آید که حتی اگر ایدئولوژی سیاسی هدف معرفتی (آموزشی) هم داشته باشد، جنبه پراگماتیک (تبرئه‌کارها)

مهمتر است. به هر حالت هدف معرفتی و دانش معرفت‌شناسی تابع کارکرد سیاسی می‌باشد.

ایدیالوژی سیاسی پیش از همه ابزاری است برای کردار؛ از همین لحاظ ایدیالوژی نه به سوی عینیت علمی بلکه به سوی استدلال موثر اهداف و منافع پیروان خود گرایش دارد. براساس همین علت مبارزه ایدیالوژیک ازگفتان علمی تفاوت دارد، باوجود اینکه گفتان هم میتواند "ایدیالوژی زده" باشد.

بدین ترتیب ایدیالوژی های سیاسی دوجبهت دارند:

**یک- معرفتی یا آموزشی ( تشریح و توضیح سیستم سیاسی).** دو- پراگماتیکی ( سمت دهی کارکردار درجهت و سمت معین). هر دو پهلو با هم مرتبط اند ولی پهلو پراگماتیک آن وزین تراست. توضیح و تشریح سیستم سیاسی در ذات خود برای ایدیالوژی مهم نیست؛ مهم سمتدهی کردار و توجیه آن در برابر چشمان پیروان و اشتراک کنندگان است.

توضیح روشن این واقعیت که پهلو معرفتی ایدیالوژی گرایشی به سوی تابعیت از پهلو پراگماتیک آن دارد، در همین اصل نهفته است. در نتیجه اگر ممنت های آن به سادگی قواعد عینیت علمی را نقض میکند ( بخاطر اهداف کردار سیاسی پیروان ایدیالوژی). از همین لحاظ در آخرین تحلیل، هستی سیاسی از طریق " عینک های ایدیالوژیک" به بررسی گرفته میشود و چنین بینش انعکاس و مظهر درست نبوده بلکه برعکس هستی را مطابق به تقاضاهای معین سیاسی تحریف میکند و منقلب میسازد.

باید گفت که پروسه ی بیراهه هستی سیاسی یک روند غیر آگاهانه است به این مفهوم که این پروسه هم از جانب کسانی که ایدیالوژی را تدوین میکنند و هم از جانب کسانی که از آن پیروی میکنند و تحت تاثیر آن قرار میگیرند؛ بگونه تصادفی صورت نمی گیرد. توضیح ساده است: نخبگان در چارچوب سیستم سیاسی تلاش میورزند که نقش سلطه گرایانه ی خود را هم در برابر خود و هم در برابر کسانی که بالای آنها سلطه تامین میکند، مستدل بسازد.

نخبگان مخالف و توده ها تلاش میورزند تا گرایش سیاسی خود را بخاطر سرنگونی نخبگان توجیه کنند. از همین لحاظ درگیری های سیاسی طبق معمول بامبارزه ایدیالوژیک همراه میباشد. در جریان این مبارزه طراحان و پایه گذاران ایدیالوژی ( ایدیالوگ ها ) اهداف اساسی و منافع گروه هایی را که از آنها نمایندگی میکنند، افاده کرده و برای آن "استدلال" لازم ارایه میکنند. برای خود ایدیالوگ ها استدلال خودشان مفهوم عینی دارد و آنها در کردار تصور هم کرده نمی توانند که فقط بیان کنندگان اهداف سیاسی گروه های معین میباشند.

**نیود آگاهی نقادانه، کرکتر همگانی (خاصیت عمومی) هم ایدیالوگ ها و هم پیروان ایدیالوژی میباشد.**

درسیستم های سیاسی نخبگان حاکم تلاش میورزند تا نخبگان مخالف وتوده ها، ایدیالوژی آنها را به پذیرند وبانرژی تمام نقد را به آدرس خود نمی پذیرند. درین زمینه نخبگان از ابزارگونگون - ازسیستم آموزش وپرورش تا وسایل ارتباط جمعی وهم چنان نهاد های فرهنگی وروشنفکران حمایه گر وسیاستگذار کارمیگیرند.

### 3. فرمانروایی وفرمانبری ایدیالوژی

از آنچه گفته آمد میتوان چنین دستاوردی ( نتیجه گیری کرد ) داشت که کثرتگرایی ایدیالوژیکی وضع نورمال سیستم های سیاسی است. بدین باور؛ بود ( موجودیت ) ایدیالوژی های سیاسی عادتن مناسبات سلسله مراتب رامیان آنها پیشبینی میکند واین امرافاده خود را درمفاهیم چون ایدیالوژی "حاکم" وایدیالوژی "حاشیه" پیدامیکند. باید گفت که دردوره معین تاریخی - اجتماعی، ایدیالوژی میتواند بخاطری که میان بخش بالایی سیستم سیاسی گسترش پیدا کرده است، حاکم بنظربخورد ( باوجود اینکه درواقعیت پیروانی کمی دارد).

درچنین حالت ایدیالوژی باید منت گذارتلاش ها وتبلیغات سیاسی باشد. این حالت زمانی آشکارمیشود که کناررفتن نوبتی نخبگان براه می افتد وانگاه نفوذ آن درمقایسه باایدیالوژی های دیگرکه درگذشته ناچیزجلوه میکردند، آشکارمیشود. بدین ترتیب ایدیالوژی حاکم آن ایدیالوژی نیست که گستره بیشترداشته باشد بلکه ایدیالوژی است که درعمل، کردار سیاسی بخشی زیادی ازانسان ها راسمتهی میکند.

مادرباره نقش توجیه گرانه ایدیالوژی سیاسی باریارسخن گفتیم . ولی پرسش این است که ایدیالوژی چه را بگونه مشخص برائت میدهد؟ پیش ازهمه شکل موجود سازماندهی جامعه ( ایدیالوژی حاکم) را ویا کارکردهای سیاسی که درجهت تغییرآن عمل میکند ( ایدیالوژی اصلاحی یا انقلابی)، را برائت میدهد.

**ایدیالوژی سلاح فکری برای تیره موجودیت نظم معین اجتماعی یا برای تغییرآن میباشد؛ این کارنامه اساسی آن**

**میباشد. ازهمین لحاظ است که ایدیالوژی سلاحی است در مبارزه سیاسی نه اینکه توضیح ساده کردارسیاسی.**

پرسی می تواند درمورد موتیف یا انگیزه های که اعضای سیستم سیاسی را وادارمیسازد تا درجستجوی چنین برائت ها باشند، مطرح گردد. این انگیزه ها با ارزش های جامعه ارتباط دارد. نخبگان، نخبگان مخالف و توده ها همه به ارزش های معینی که درجامعه پذیرفته شده اند، برای اینکه تصویری مثبتی ازکارنامه سیاسی خود ارایه کرده باشند، رومی آورند.

ایدیالوژی سیاسی درین جا نه به عنوان افاده تصادفی منافع معینی ارایه میگردد، بلکه بحیث تحقق اصول عمومی معنوی و اخلاقی و مدهبی و غیره مطرح میگردد. ایدیالوژی تلاش میورزد که درچوکات کارکرد تیرئه آمیزخود، کارنامه های سیاسی جانبداران سیستم سیاسی معین خط مثبت ترسیم کند و به آنها تلقین کند که آنها دین و رسالت خود را ادامیکنند. به عبارت دیگر مستقل از کردارمعین، وجدان شان پاک و منزه است.

به این ترتیب ایدیالوژی ها زمینه را برای اینکه احساس گناه نکرده باشند، فراهم میسازد، گناهیکه به رفتارمعین سیاسی ارتباط میداشته باشد. ازبرکت ایدیالوژی است که انسان ها احساس میکنند که کردارسیاسی آنها درجهت اهداف نیک بوده و خود آنها ابزاری درخدمت این اهداف اند. ازین لحاظ است که درحالات مشابه جنایات بزرگ ازجانب کسانی که آنرا مرتکب میشوند مانند کارساده ی درجهت اهداف سیاسی پذیرفته میشود. کفایت میکند که درین مورد از کشتارملیون ها انسانی که جان های شیرین شان را با دستان ناپاک فاشیزم هتلی از دست دادند، یاد بکنیم.

پایان

**admin@vatandar.at**

**مدیر مسوول : دیپلوم انجیر عمر محسن زاده**

**صاحب امتیاز : انجیرنجیب یوسفی**

**کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد**

**به بقیه گزیده های مقالات از: داکترنجیب الله مسیر کلیک نمایند**

**<http://www.vatandar.at/masir.html>**